



سال چهارم | شماره یازدهم، نیمه دوم آبان ماه ۱۴۰۰ | هفته‌نامه

در این شماره می‌خوانید | رسانه های داخلی ظهر روز چهارشنبه ۱۲ آبان (سوم نوامبر) در چندین مرحله و با فراهم سازی پیش زمینه هایی که تمام ذهن مخاطب خود را درگیر کرده بود ... ادامه در صفحه ۳



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :
يك ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است كه
شیش به عبادت و روزش به روزه داری بگذرد و يك ساعت
بی عدالتی در حكومت (داوری) نزد خدا سخت تر و سنگین
تر از شصت سال گناه است.

ما أَوْشَعُ الْعَدْلُ ! إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا غَدَلَ عَلَيْهِمْ . چه گسترده است دامنه عدالت! اگر عدالت در جامعه اجرا شود، مردم بی نیاز می شوند. | امام باقر علیه السلام

نهضت تحول نماز جمعه

نگاهی گذرا به اتفاقات اخیر پیرامون نماز جمعه



اول از همه | صفحه ۲

عصر انتخاب | در این شماره می‌خوانید ...

کلام رهبری



نهضت تحول نماز جمعه

صفحه ۲

آمریکا چه می‌خواهد؟

صفحه ۳

کدام انقلاب فرهنگی؟!

صفحه ۴

طعم شیرین یک رسانه ملی

صفحه ۵

نماز جمعه به مثابه یک قرارگاه!

نماز جمعه یک قرارگاه است؛ قرارگاه ایمان، قرارگاه تقوا، قرارگاه بصیرت، قرارگاه اخلاق. از تعبیر قرارگاه نباید ما وحشت بکنیم، چون قرارگاه جزو تعبیرات و اصطلاحات مربوط به جنگ و مبارزه و این چیزها است. خب، این جنگ وجود دارد، بر ما تحمیل شده. ما در حال جنگیم، منتها جنگ نظامی نیست؛ جنگ معنوی است، جنگ اعتقادی و ایمانی است، جنگ سیاسی است؛ همچنان‌که در دفاع مقدس هشت سال بر ما جنگ را تحمیل کردند



نهضت تحول نماز جمعه

(نگاهی گذرا به اتفاقات اخیر پیرامون نماز جمعه و لزوم استمرار نهضت تحول)

محمد مردانی

در ماه‌های اخیر ائمه جمعه زیادی در سراسر کشور به دلایل مختلف عزل شدند؛ دلایلی مانند کهولت سن، فساد نزدیکان، عدم تاثیرگذاری؛ اما هیچ‌کدام از این عزل و نصب‌ها برای هیچ‌کس عجیب نبود به جز یک خبر؛ عزل امام جمعه محبوب و ضد فساد لواسان! خبر به سرعت در فضای مجازی و حقیقی چرخید و افکار عمومی کنج‌گاو بودند تا علت این تصمیم شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه را بدانند. جریان‌های دانشجویی نیز طی نامه‌نگاری‌های مختلفی از حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه دعوت به عمل آوردند تا در نماز جمعه لواسان حضور یابد و بابت این تصمیم پاسخ دهد.

علاوه بر مردم شریف لواسان صدها دانشجو از شهرهای اطراف آمده بودند تا صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین نماز جمعه برسانند و خداقوتی هم به «سید سیدموی و سپیدروی لواسان» بگویند؛ او که عدالت‌خواه، ضد فساد و شجاع بود و این صفاتش برآمده از مردمی بودن، داشتن درک درست از منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی و دیدن مشکلات مردم از نزدیک بود.

خطبه‌های او برای ما که دهه ۶۰ را تجربه نکرده‌ایم تداعی‌گر خطبه‌های حضرت آقا بود که از چالش بین فقر و غنا می‌گفت، از زعفرانیه و حلبی‌آباد دم می‌زد و به خواندن کتاب الحیات مرحوم حکیمی (ره) توصیه می‌کرد. لواسانی هم از باستی هیلز و کلاک برای مردم می‌گفت، از ظهور قله‌های ثروت و دره‌های فقر. در این راه هم اهل مصلحت سنجی

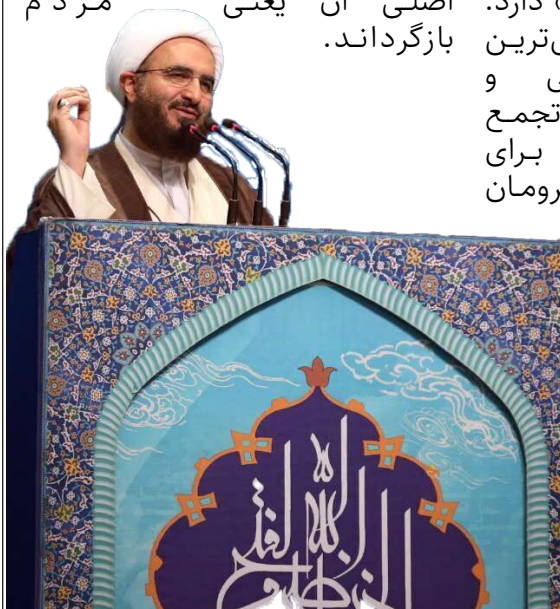
نبود و باور داشت عدالت اصل است و مصلحت فرع؛ با هیچ‌کس هم تعارف نداشت؛ طرف مقابل می‌خواست دختر وزیر باشد یا داماد دبیر شورای عالی امنیت ملی. نمازگزاران تشنه شنیدن علت عزل امام جمعه محبوب‌شان بودند، اما دریغ که کسی برای پاسخ‌گویی نیامد! او نیز جمعیت بی‌قرار را آرام کرد. از اخلاق گفت و حسن‌ظن، منتقد بود اما ساختارشکنی نکرد دست‌آخر هم آرام رفت بدون اندکی قیل و قال.

اما ماجرا به این‌جا ختم نشد. چند روز بعد ویدئویی از حجت‌الاسلام علی‌اکبری در فضای مجازی راجع به ممنوعیت عدالت‌خواهی مصداقی، پیگیری مفاسد از راه‌های قانونی و عدالت‌خواه بودن جریان امامت جمعه منتشر شد. چند روز بعد بستری برای گفتگو راجع به نماز جمعه و حواشی آن در برنامه ثریا فراهم شد که متأسفانه بیانات حاج‌آقای علی‌اکبری بار دیگر نشان داد که «احیای نماز جمعه» کار شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه نیست، بلکه نیاز به یک «نهضت و جنبش اجتماعی» دارد. نماز جمعه به‌عنوان اصیل‌ترین تربیون انقلاب اسلامی و استراتژیک‌ترین مکان تجمع امت اسلامی باید محلی برای دادخواهی مستضعفان و محرومان

و مقتل مفسدان و سرمایه سالاران باشد. نماز جمعه تراز انقلاب اسلامی لریزه بر اندام استکبار داخلی و خارجی می‌اندازد و مایه آرامش و امید محرومین و مستضعفین داخلی و خارجی است. خطبه‌های نماز جمعه جای خواندن مناسبت‌های هفته و

کلی‌گویی نیست بلکه فرصتی است برای دادخواهی مسائل و مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند؛ صفوف اول نماز جمعه جای مسئولین عافیت‌طلب و سرمایه‌داران مشهور نیست، بلکه جایگاه اصلی محرومان و مستضعفان است.

متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد کم‌رنگ شدن حضور جریان‌های انقلابی مانند تشکل‌های دانشجویی و افرادی مثل جناب آقای حسن رحیم‌پور ازغدی در پیش خطبه‌های نماز جمعه هستیم که الحق و الإنصاف در ترسیم خطوط اسلام ناب محمدی موفق عمل کردند. جریان دانشجویی نباید بگذارد مسئله مهم نماز جمعه با رویه حاکم و تلقی شورای سیاست‌گذاری اداره شود. لازم است با مطالبه‌گری و حضور در صحنه، نهضت نماز جمعه را احیا کند و از طریق نماز جمعه که یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای رسیدن به عدالت اجتماعی است مسائل و مشکلات مردم را پیگیری کند و این تربیون را به صاحبان اصلی آن یعنی مردم بازگرداند.



آمریکا چه می‌خواهد؟

مهدی شبیانی



آمریکا این برنامه را بدون توجه به روند مذاکرات و شروع دوباره آن در ۸ آذر انجام داده و کمترین اهمیتی برای حساسیت مذاکرات قائل نیست. بایدن نمی‌خواهد روندی را طی کند که سیاست‌های دوره ترامپ را کنار بگذارد. البته این نوع اقدامات می‌تواند با حافظه تاریخی ما در تقابل با آمریکا مصداق‌هایی داشته باشد. شاید تمایل آمریکا به بازگشت به میز مذاکرات کنترل وضعیت هسته‌ای ایران باشد تمام تلاش‌ها در این راستا خواهد بود، اما اگر این برنامه با آژانس هم پیش برو، دست هیئت مذاکره کننده واشنگتن در این دور مذاکرات باز خواهد بود و حتی با اعمال فشارهای روز افزون مواجه خواهیم بود.

می‌توان این وجیزه را ادامه داد و تصویرهای مختلفی از بازی سیاسی آمریکا و ایران طراحی کرد. اما نباید صرفاً جهت تحلیل را به سمت تحلیل سیاست‌ورزان و تصمیم‌گیران داخل کشور معطوف کرد، بلکه باید پرسید هدف طرف مقابل چه بوده؟ و با چه منطق و هدفی این اقدام انجام شده است؟

نشستن و گفت‌وگو با واشنگتن به نشان دادن حسن نیت توسط آن‌ها اشاره کرده است و باید گفت اقدام اخیر به هیچ وجه یک سیگنال از حسن نیت آن‌ها نخواهد بود.

از دو منظر می‌توان به این رخداد نگریست:

۱. اینکه این اقدام آنچنان که روی آن مانور رسانه‌ای داده شد، نبوده است و رسانه‌های داخلی آنچه را خواسته‌اند به نمایش گذاشته‌اند و این را پیش فرضی برای عموم قرار دهند که اگر در مذاکرات خواسته‌های ایران شان برآورده نشد، بتوانند به آن رجوع کنند و بیان کنند که همان‌طور که آمریکایی‌ها در خلیج فارس و دریای عمان به دنبال ضربه زدن به ایران هستند، در این مذاکرات نیز آن‌ها به دنبال تغییر و اصلاح رویه گذشته نیستند و اهمیتی ندارد که چه گفته می‌شود یا گفته خواهد شد؛ در این روایت واشنگتن از هر فرصتی برای ضرب زدن استفاده خواهد کرد و حتی آن‌ها به این گفت‌وگوها هم به شکل یک فرصت برای مهار و ضربه زدن به ایران استفاده می‌کنند.

۲. در سمت دیگر ماجرا می‌توان به این شکل به موضوع نگاه کرد که واقعا این اتفاق افتاده است.

رسانه‌های داخلی ظهر روز چهارشنبه ۱۲ آبان (سوم نوامبر) در چندین مرحله و با فراهم سازی پیش زمینه‌هایی که تمام ذهن مخاطب خود را درگیر کرده بود سر انجام گزارش عملیاتی را دادن که در آن نیرو دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانع از دزدی دریایی و سرقت نفت ایران توسط آمریکا شده بود. این موضوع در داخل بازتاب فراوانی داشت و تحلیل‌های بسیاری نوشته شد. سوالاتی پیش از قبیل اینکه چرا این اقدام به درگیری جدی منجر نشد؟ یا اینکه در آستانه مذاکرات به این اقدامات نیاز هست یا خیر؟ مسئله و موردی که کمتر به آن پرداخته شد اینست که چرا این اقدام از سوی آمریکا انجام گرفت؟ آن هم در خلیج فارس و دریای عمان که تحت رصد شدید نیروهای دریایی ایران اعم از ارتش و سپاه است. یقیناً کاخ سفید و پنتاگون به این نکته آگاه هستند که این اقدام می‌تواند رویکرد و دیدگاه ایران را در این دور از مذاکرات که به نظر می‌رسد بنای ایران «مذاکره برای حصول نتیجه مطلوب» است و نه یک دور «مذاکرات برای ادامه دادن مذاکرات»، تغییر دهد. طرف ایرانی برای پای میز مذاکره



کدام انقلاب فرهنگی؟! کدام شورا؟! تغییر ترکیب شورای عالی انقلاب فرهنگی ...

امیررضا پشتیبان



به جرات می‌توان گفت شورای عالی انقلاب فرهنگی بالاترین و تأثیرگذارترین نهاد در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی و علمی کشور است که نه تنها آن طور که باید در عرصه فرهنگ و آموزش، نقش‌آفرین نبوده بلکه در برهه‌هایی از زمان هزینه‌های گزافی را هم متوجه حاکمیت کرده و نتوانسته در عرصه خطیر فرهنگ، سیاست‌گذاری جامع و راه‌گشا باشد. این شورا در مواقع مختلف تحت تأثیر سیاست‌ها و بینش‌های فکری و فرهنگی حاکم بر دولت‌ها بوده و دولت‌ها بوده‌اند که به طور غیر مستقیم برای چنین شورایی که رهبری انقلاب اسلامی آن را «قرارگاه مقدم فرماندهی فرهنگی» خواندند، خط مشی تعیین کرده‌اند. از اواسط دهه ۹۰ به بعد مطالبه رهبری انقلاب اسلامی از این شورا ورود به عرصه «فرهنگ عمومی» و سیاست‌گذاری در این حیطه بوده است؛ اما متأسفانه این شورا نه تخصصی در این حوزه دارد و نه تئوری مطلوبی به منظور طرح ریزی در جهت حرکت در این مسیر. البته شاید گمان کنید که این شورا در حیطه خود بسیار خوب عمل کرده و نتایج قابل قبولی برای ارائه دارد، اما باید گفت ورود شورا به این عرصه از ابتدای سال ۵۹ تا کنون نتیجه‌ای جز «رکود علمی، کمیت‌گرایی، مدرک‌گرایی، خروج نخبگان و از بین رفتن توازن بین رشته‌های علمی» نداشته و به جرات می‌توان گفت با وضعیت فعلی

مسیر بسیار گسترده‌ای را تا تبدیل شدن به جایگاه واقعی خود یعنی «قرارگاه فرهنگی» را دارد. اکنون به اختصار برخی از مهم‌ترین نقدهای وارده بر این شورا را ذکر می‌کنیم :

۱. مصوبات و موضوعات:

یکی از مهم‌ترین مشکلات شورا توجه بیش از حد به موضوعات کلیشه‌ای، تکراری و عدم توجه به موضوعات اصیل فرهنگی است. اصولاً بیشتر وقت این شورا نه صرف موضوعات و اولویت‌های مطرح علمی و فرهنگی کشور، بلکه صرف تغییر روسای دانشگاه‌ها می‌شود. نکته بعدی در بحث مصوبات را می‌توان مصوباتی دانست که بسیار کلی و در ظاهر همه جانبه بوده اما فاقد موتور محرکه، اولویت‌گذاری و نگاه استراتژیک می‌باشند و صرفاً گزاره‌هایی از مشهورات و انتزاعیات را شامل می‌شوند.

۲. ترکیب اعضای شورا:

از آنجایی که مقام معظم رهبری تأکید ویژه‌ای بر ورود این شورا به «فرهنگ عمومی» دارند، آنچه بدیهی می‌باشد آن است که ترکیب فعلی هیچ‌گاه نمیتواند مطالبات ولی امر جامعه را در حوزه فرهنگ محقق سازد. افرادی که جمیع آنها مهندس و پزشک بوده و نگاهی کمیت‌گرا و مکانیکی دارند که بسیاری فاقد صلاحیت و تخصص لازم برای ورود به این عرصه می‌باشند؛ لازم به ذکر است زمانی دبیر شورایی که رهبر انقلاب از واژه «اتاق فکر

فرهنگی» برای آن استفاده می‌کنند، یک دامپزشک بوده است! جدای از این مطالب، در این شورا تعداد مسئولان اجرایی کشوری نسبت به مسئولان فکری برتری نسبی دارد و نتیجه چنین وضعیتی ایجاد شدن احساس یاس و سرخوردگی در بین عناصر فکری- فرهنگی می‌شود؛ چرا که عدم تأثیرگذاری خود در این شورا را مشاهده می‌کنند و طبیعتاً به مرور زمان به ماشین امضاء و تأیید سیاست‌های اجرایی مسئولان تبدیل می‌شوند.

۳. جدایی از مردم:

یکی از نقد‌های جدی که بر مصوبات و اعضاء این شورا وارد است در نظر نگرفتن اولویت‌های جامعه فرهنگی می‌باشد؛ اصولاً اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به واسطه نگاه مکانیکی که به مقولات فرهنگی دارند، امر فرهنگی را به چشم معادله‌ای پیچیده و ابزاری نگاه میکنند. فارغ از اینکه فرهنگ پدیده‌ای چندوجهی و چند لایه است و داشتن نگرش مبتنی بر سرمایه‌گذاری در عرصه فرهنگ، برنامه‌ریزی بلندمدت، اهتمام ویژه به پژوهش در این حوزه از بدیهیات می‌باشد. لیکن اعضا این شورا گمان می‌کنند با تصویب مصوبه‌ای میتوانند سبک زندگی یک جامعه را تغییر دهند ولیکن تنها نتیجه‌ای که این مصوبات بی‌اساس در پی دارد افزایش «شکاف اجتماعی» است.

بالاخره طعم شیرین یک رسانه ملی انقلابی را می‌چشیم؟

محمد جواد آهنگر

اجازه دهید، سخن را با سخنان گوهربار حضرت امام (ره) درباره یکی از وظایف مهم صداوسیما آغاز کنیم: «این دستگاه (صداوسیما) دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غربزدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد...» (صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۲۰۳) زمانی که دکتر محمد سرافراز سکاتدار رسانه قریه ملی مان شد، امید بر آن بود که صداوسیما چابک شود، خطوط قرمزهایش را تعدیل کند، صدای بی صدایان باشد و هزاران امید که در نهایت صداوسیمای منفعل ضرغامی را که بیشتر به روابط عمومی حاکمیت شبیه بود تا رسانه تمام مردم ایران به سر منزل مقصود توقعات مردم برساند. شیوه مدیریتی مهندس ضرغامی با نگاه مهندسی‌اش به سازمان در جهت رشد و گسترش کمی شبکه‌ها بود و به طور کلی در آن دوره، تربیت نیروی انسانی ماهر و کیفیت برنامه‌های تولیدی به فراموشی سپرده شده بود. صادقانه بگویم، ریتم مدیریتی آقای سرافراز برای سازمان کندی مانند صداوسیما بسیار تند بود و این فاصله سبب شد تا عمر مدیریت‌اش طولانی مدت نباشد و نتواند برنامه

هایش را اجرا کند. دوران علی عسگری محافظه‌کار، دوران انفعال و سکون سازمان بود. پیکر بی‌جان سازمان صداوسیما در این دوره نه تنها رسانه اصلی مردم نبود، حتی نتوانست خواسته‌های به حق رهبر معظم انقلاب را جامعه عمل ببوشاند. قرار بر این بود که در دوره ایشان، سازمان حضور مؤثری در فضای مجازی داشته باشد و به دنبال چابک‌سازی در ساختار، افزایش بهره‌وری در تولیدات و نیروی‌های انسانی و از همه مهمتر «مرجع شدن رسانه ملی» در جامعه ایران باشد. پس از ۴۰ سال که مهندسان و علوم سیاسی‌خوان‌ها مهمان مهمترین سازمان رسانه‌ای کشور بودند، بالاخره رئیسی بر مسند آن تکیه زده است که حداقل با چند نظریه در حوزه علوم ارتباطات و رسانه آشنا است؛ «باید‌ها و نبایدها» و «هست‌ها و نیست‌ها» یک سازمان رسانه‌ای را می‌شناسد. در هفتم مهر ماه ۱۴۰۰، رهبر معظم انقلاب، دکتر پیمان جبلی را به ریاست سازمان صداوسیما منصوب فرمودند. رسانه ملی باید بستری برای ارتقاء سطح آگاهی و دانش مردم باشد، باید فضای شاد و پرنشاطی را بر مردم در این روزهای سخت معیشتی رقم بزند، باید صدا

کارگران، مستضعفان، کودکان کار و دانشجویان دلسوز باشد. از نقدهای برنده دانشجویی نترسد و بستری را برای نقد منصفانه و گفت و گوهای چالشی فراهم سازد، یک کلام رسانه تمام مردم ایران باشد. جبلی باید ساختار درونی سازمان را متحول سازد که شامل ارتقاء سرمایه انسانی و رشد کیفی برنامه‌های تولیدی است. با توجه به رویکرد جدید صداوسیما و پوشش حرفه‌ای و سریع بخش خبر سازمان از «بحران هک شدن کارت سوخت»، این نوید را به صاحب‌نظران و دانشجویان دلسوز داد که می‌توان به رسانه ملی اعتماد کرد. در این بحران، دیگر روایتگر اصلی و جریان ساز، رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران نبودند، بلکه سازمان صداوسیما توانست با تمام کم و کسری‌ها، ماموریت حقیقی خود را به خوبی انجام دهد. برای دکتر پیمان جبلی، مدیر آگاه ارتباطات خوانده و رسانه‌شناس، آرزوی موفقیت داریم تا بتواند پرقدرت در مقابل گروه‌های فشار بایستد و بالاخره مردم ایران طعم شیرین یک رسانه ملی انقلابی را بچشند.

ارتباط با ما

دانشکده خودت را پیدا کن!



atu_elahiat
بسج دانشکده الهیات

basijatu_economics
بسج دانشکده اقتصاد

basij_57magz
بسج دانشکده حقوق و علوم سیاسی



basij_mng_atu
بسج دانشکده مدیریت و حسابداری



ضربه بزنید!

BSJ_Ertebatat
بسج دانشکده ارتباطات



basijatu_ss
بسج علوم اجتماعی

basijallame
بسج دانشکده ادبیات